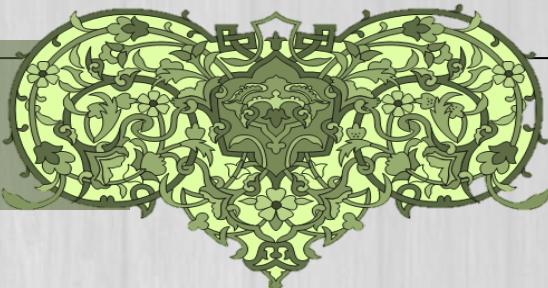


سلسله دروس خارج اصول



موضوع : جواز استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد

پیشخوان

تنقیح موضوع بحث

کلام مرحوم مجاهد

ما می گوییم

کلام مرحوم آخوند

روایت منتقی الاصول از کلام مرحوم آخوند

سال چهارم

۹۲/۷/۲

سه شنبه

جلسه ۲

پنج صورت برای استعمال لفظ مشترک در معانی خود:

وجه
اول

بیان وجه : دو بار استعمال شود و هر بار یکی از معانی آن اراده شود

حکم این وجه : این استعمال، صحیح است و استعمال حقیقی می باشد

وجه
دوم

بیان وجه : لفظ یک بار استعمال شود و از آن یکی از دو معنایش لا علی التعیین اراده شود

مثال : مثل اینکه کسی بگوید «لباس تو باید «جون» باشد» و مرادش آن باشد که لباس تو یا باید سفید باشد و یا سیاه

نظر سکاکی : اگر قرینه ای در کار نباشد، این استعمال، استعمال حقیقی است.

نقد نظر سکاکی : لفظ جون برای مفهوم «مردد بین سیاه و سفید» وضع نشده است و در صورت استعمال در این معنی «مجاز» می باشد.

وجه سوم

تفاوت این وجه با وجه دوم :

در فرض دوم : استعمال در مفهوم مردد است و لازمه آن لحاظ استقلالی هر دو فرد است و حصول تردید بعد از عنایت به خصوصیت آنهاست

در فرض سوم : استعمال قدر جامع است و لذا مفهوم اراده شده، مفهوم مردد نیست. اگرچه در مقام انطباق، قدر مشترک مردد بین افراد است

ما می گوییم : فرق بین این دو نوع همان فرقی است که بین تخيیر شرعی و تخيیر عقلی وجود دارد

وجه چهارم

بيان وجه : لفظ در مجموع دو معنی استعمال شود؛ به این صورت که حکم روی مجموع هر دو معنا رفته باشد

مثال : اگر می گویید عین واجب است، مرادش آن باشد که ذهب در حالیکه همراه با فضه است واجب است

نظر باغنوی و ملا صالح مازندرانی : این استعمال به صورت حقیقی محال است و به صورت مجازی - اگر علاقه مجازیه در کار باشد - جایز

است ولی علاقه مجازیه ای در کار نیست

بیان وجه : هر یک از معانی به تنها بی مورد اراده قرار گیرد. به این معنا که هر معنی به طور مستقل مورد حکم قرار گیرد.

تفاوت این وجه با وجه چهارم :

فرق این قسم و قسم چهارم، فرق عام مجموعی و عام افرادی است.

در قسم چهارم : قصد اولیه متکلم مجموع است و نسبت به تک تک افراد قصد ثانوی دارد + دلالت بر تک تک افراد دلالت تضمنیه است

در قسم پنجم : قصد اولیه متکلم تک تک افراد است + دلالت بر تک تک افراد، دلالت مطابقیه است

وجه
پنجم

محل نزاع در میان وجه : محل نزاع در مسأله ما همین قسم پنجم است

اولین
نزاع

بیان اولین نزاع و اشاره به دو قول اصلی در مسأله :

اگر روایتی وارد شده بود و تنها راه معنی کردن آن، این بود که آن را حمل بر همه معانی آن کنیم. آیا :

باید بگوییم استعمال لفظ در همه معانی جایز است = روایت را پذیریم

یا باید چنین استعمالی را غلط بدانیم = روایت را کنار بگذاریم

نکته

کسانی که این استعمال را صحیح می دانند خود دو گروه هستند، برخی آن را حقیقت می دانند و برخی مثل علامه آن را مجاز می دانند

۱

این بحث، درباره استعمال لفظ در اکثر از معنی واحد است.

در حالیکه بحثی دیگر در علم الاصول وجود دارد که درباره امکان وضع لفظ به صورت مشترک برای دو معنی، بحث می کند

۲

بحث از جواز استعمال مبتنی بر بحث از جواز وضع نیست

چراکه ممکن است کسی وضع به صورت مشترک لفظی را نپذیرد ولی قبول کند که لفظ در معنای حقیقی و معنای مجازی به استعمال واحد، به کار برده شود

۳

تیتر بحث مرحوم سید مجاهد که بحث را به لفظ مشترک محدوده کرده است، کامل نیست

۱

محل نزاع : استعمال لفظ علی سبیل الانفراد و الاستقلال، در اکثر از معنای واحد

۲

نظر مرحوم آخوند : عدم جواز عقلی

۳

تفصیل حکم بر اساس معنای استعمال :

معنای
اول

استعمال یعنی «جعل لفظ علامت برای معنی»

حکم این صورت : می توان به جواز قائل شد

چراکه یک شیء می تواند علامت برای دو معنی باشد.

معنای
دوم

استعمال یعنی «جعل لفظ وجه و عنوان برای معنی» = لفظ وجود تنزیلی معنی شود = سرایت حسن و قبح از لفظ به معنی
حکم این صورت : نمی توان قائل به جواز شد.

شود

چراکه: لفظ را تنها می توان در یک معنی افقاء کرد. چون وقتی وجه و عنوان معنی اول شد دیگر نمی تواند وجه و عنوان معنی دوم

روایت

منتقی

الاصول

از کلام

مرحوم

آخوند

دو معنی برای استعمال :

*

استعمال افباء لفظ در معنی است: در این صورت:

اولاً: استعمال در دو معنی باعث می شود لفظ دوبار افباء شود.

ثانیاً: لازمه هر افباء، لحاظ آلی لفظ است = پس لازمه استعمال در دو معنی، دو لحاظ آلی است = اجتماع مثلین در شیء واحد و در آن واحد است.

ثالثاً: همچنین لازمه لحاظ شدن شیئی که قبل از لحاظ شده آن است که موجود دوباره موجود شود

معنای
اول

اما اگر استعمال «جعل لفظ علامت معنی» باشد: در این صورت:

دیگر لحاظ آلی در کار نیست بلکه لفظ به صورت مستقل لحاظ می شود و در عین حال دو معنی از آن اراده می شود

معنای
دوم

منتقی الاصول
ج ۱ ص ۳۰۷